

بررسی تلفیق معماری سنتی با هنر طراحی لباس به سبک معماری اصفهانی خانه بروجردی های کاشان در دوره قاجار

سید ماهسون سجادی

مدرس گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

msajjadib@yahoo.com

نرگس علی زاده

دانشجوی کارشناسی، گروه طراحی لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

Alizadehfelora1990@gmail.com

چکیده

پدیده مد در دوره معاصر از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و از معماری تاثیرات زیادی گرفته است. در میان سبک های معماری ایرانی، سبک اصفهانی آخرین سبک معماری و یکی از زیباترین آن ها است. این سبک را به خوبی می شود در خانه بروجردی های کاشان مشاهده کرد. این پژوهش ماهیت رابطه بین مد و معماری را توصیف می کند. منطقی ترین رابطه این است که هم مد و هم معماری سرپناهی برای افراد در ابعاد مختلف اجتماعی فراهم می کند. از طرفی، در ویژگی های مواد شباهت های بسیاری وجود دارد، اگرچه که در هر دو از مواد اولیه کاملاً متفاوت در مقیاس مختلف استفاده می شود. علاوه بر این، نمونه های بسیاری وجود دارد که تأثیر یک زمینه را بر دیگری نشان می دهد. بسیاری از معماران برای طراحی ساختمان از یک لباس الهام می گیرند و برعکس همین امر امکان پذیر است که ما در این پژوهش از سبک معماری خانه ی بروجردی های کاشان در طراحی پوشش ایرانی اسلامی (مانتو) استفاده کرده ایم و در روش کاربردی نیز آن را آزموده ایم. هدف این پژوهش بررسی ویژگی های سبک معماری اصفهانی و استفاده از برخی عناصر خانه بروجردی ها در طراحی یک مانتو می باشد. اهمیت این پژوهش بر آن است که استفاده از سبک های معماری ایرانی در صنعت مد، علاوه بر زنده کردن و احیا آن سبک ها در فرمی دیگر، باعث هویت بخشیدن به صنعت مد و لباس می شود. شیوه این پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی استوار بوده و روش گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و میدانی می باشد.

واژه های کلیدی: مد، معماری، طراحی، سبک اصفهانی، خانه بروجردی ها، کاشان، معماری سنتی، دوره قاجار

هدف از این مقاله این است که آیا مد و فشن تأثیری بر یکدیگر دارند، بنابراین چگونگی این اثرات در پایان منعکس می شوند. مد و معماری دو زمینه کاملاً متفاوت و مستقل از یکدیگر هستند اولی در مورد ساختن محیط زیست و دیگری قرار دادن لباس روی بدن انسان است. در حقیقت هر دو صنعت از نوع ساخت و ساز، تکنیک ها و حتی عملکرد کاملاً متفاوتی برخوردار هستند. اما آنها می توانند در مورد طراحی به نقطه ی اشتراکی برسند. این رابطه امروزه مورد بررسی قرار می گیرد و شروع به اشتراک گذاری مفاهیم مشابهی در طراحی می کند. علاوه بر این، این دو زمینه تحت تأثیر زمان، مواد، فرهنگ، جامعه، فناوری، علم و غیره هستند. این دو زمینه شباهت های زیادی دارند به عنوان مثال رابطه بین هنر، طراحی، فناوری و علم. از طرف دیگر مد و معماری برای انسان با تهیه یک سرپناه و در مد، سرپناه در مقیاس فردی تعریف می شود، بدین معنی که پوشش بدن انسان در مقیاس کوچک است. در حالی که در معماری، پناهگاه در مقیاس بزرگتر تعریف شده است. اگرچه شباهت های ذکر شده در بالا در مقیاس، نسبت، مواد، و اندازه تفاوت دارند. علاوه بر این، طراحی مد دارای طول عمر کوتاه است در حالی که معماری دارای ماندگاری بسیار طولانی تر و مواد ابدی است.

ما در این پژوهش مانتویی ارائه داده ایم که طراحی آن از قسمت جنوبی حیاط بیرونی که بخش تابستان نشین خانه بروجردی ها به شمار می رود و مهمترین و زیبا ترین بخش خانه بوده و مشتمل است بر یک سر پوشیده مرتفع و با عظمت به شکل هشت و نیم هشت الهام گرفته شده است. ما در این پژوهش به بررسی سبک معماری خانه بروجردی ها و تلفیق آن با هنر طراحی لباس به این بخش میپردازیم.

در این پوشش از پارچه های دستباف کاشان (شعربافی)، از ریشه ها به عنوان پنجره در کار استفاده شده و با بهره گیری از اشکال هندسی که در معماری خانه بروجردی ها استفاده شده و استفاده از رنگ های کاشی های هفت رنگ در معماری سبک اصفهانی و شعری از ژاله اصفهانی به طراحی این پوشش پرداخته ایم که در آخر در تصویر به آن اشاره مینماییم. در این پژوهش ابتدا مفهوم طراحی در مد و معماری، تأثیر هنر در مد و معماری، بررسی ویژگی های معماری ایرانی و سبک اصفهانی، بررسی هنر شعربافی کاشان بررسی شده و در نهایت به طراحی مانتو با توجه به ویژگی های خانه بروجردی پرداخته می شود. هدف این پژوهش بررسی ویژگی های سبک معماری اصفهانی و استفاده از برخی عناصر خانه بروجردی ها در طراحی یک مانتو می باشد. اهمیت این پژوهش بر آن است که استفاده از سبک های معماری ایرانی در صنعت مد، علاوه بر زنده کردن و احیا آن سبک ها در فرمی دیگر، باعث هویت بخشیدن به صنعت مد و لباس می شود. شیوه این پژوهش بر روش توصیفی-تحلیلی استوار بوده و روش گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و میدانی می باشد.

مفهوم طراحی در مد و معماری

امروزه رابطه بین معماری و طراحی مد چیزی دور از ذهن و خیالی نیست. در قرن گذشته پیوند بین این دو صنعت با درک این واقعیت که هر دو مبتنی بر هنر، علم و فناوری هستند، قویتر شده است. و آنها بازیگرانی هستند که در حال ایجاد تصویر برای مردم هستند. یکی دیگر از عناصر اساسی که هر دو مد و معماری با یکدیگر مشترک هستند هنر بنیان این دو صنعت است.

اگر معنای واقعی هنر می خواست بررسی شود ، باید رابطه آن با علم و فناوری را نیز بررسی کرد. این سه ، هنر ، علم و فناوری، رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند و در نتیجه بر یکدیگر تأثیر می گذارند. هنر ، علم و فناوری از نظر فرهنگی 3 معنی مشخص دارند، اما مرزهای بین آنها همیشه قابل بحث است.. می توان گفت این سه عنصر است که بیشترین تأثیر را در مد و معماری دارند. مد و معماری با کمک هنر ، علم و فناوری در جهتی رشد می کنند که هیچ کس در قرن گذشته حتی تصورش را هم نمی کرد. هنر می توان گفت که پایه و اساس این دو حرفه است و علم و فناوری به این دو حرفه کمک می کند به گونه ای که می تواند ابداع و ابتکاری بیشتری داشته باشد.

تأثیر هنر در معماری و مد

هنر نمایش احساسات است احساسات با کمک خطوط ، رنگ ها ، حرکات ، صداها یا کلمات در انسان نشان داده می شود (Maude, 1996). به عبارت دیگر هنر بیان احساسات است در طول تاریخ ، زندگی انسان تحت تأثیر قرار گرفت و پر از هنر بود. از ترانه هایی که توسط مردم شنیده می شود تا مد روز در لباس روزانه آنها. هنر ساختن یک عمل یا عملی گذراست ، نه تنها برای داشتن یک لذت فعال به تهیه کننده ، بلکه برای ایجاد یک احساس لذت بخش به تعدادی از تماشاگران یا شنوندگان ، جدا از هر گونه مزیت شخصی ناشی از آن نیازمند است (تامپسون ، 1999). هنر انتقال احساسی است که توسط هنرمند احساس می شود و این آغاز نظریه متمر ثمر در زیبایی شناسی است. برای تعریف صحیح هنر ، ضروری است که آن را وسیله لذت و یکی از عوامل مهم زندگی بدانیم. از این طریق روشن خواهد شد که هنر یکی از ابزارهای ارتباطی بین انسان ها و نیز انسان و جامعه است (Maude, 1996). اعتقاد بر این است که اثر هنری جنبه فنی دارد که در معماری و مجسمه سازی مشهودتر است ، کمتر در نقاشی و موسیقی ، حداقل در شعر (Tolstoy, 2010) بسیاری از معماران با معماری مانند یک قطعه هنری رفتار می کنند. تلفیق هنر با معماری و استفاده از نظریه های آن در کنار تئوری های معماری ، آن را بسیار قویتر و ثروتمندتر می کند. معماری بیشتر به مسائل کاربردی می پردازد از طرف دیگر هنر بیشتر در مورد زیبایی شناسی بصری است ، بنابراین ترکیب آنها ارزشمند است.

از آنجا که هنر زبان احساس و انتقال احساسات است ، به نوعی همه این خصوصیات را به حوزه معماری منتقل کرد. معماران با کمک ساختمانهایشان احساسی را که خود دارند را ابراز می کنند و به اشتراک می گذارند. این احساسات در کار معماری با کمک خطوط ، رنگ ها و فرم ها در یک ساختمان منتقل می شود. از طرف دیگر ، همان مفاهیم هنری در زمینه طراحی مد واجد شرایط هستند. زیرا ، مانند معماری ، طراحی مد نیز مبتنی بر هنر و زیبایی شناسی است. خود طراحی مد را می توان هنر دانست. این هنر طراحی و زیبایی شناسی است. طراحی مد به عنوان یک هنر ، تحت تأثیر فرهنگ است و یکی از اصلی ترین سیستم های ارتباطی غیرکلامی است. طراحان مد یا بهتر بگوییم هنرمندان ، از کارهای هنری خود مانند لباس ها راهی برای برقراری ارتباط با افراد دیگر استفاده می کنند. آنها احساسی را که دارند به طرح های خود منتقل می کنند و افراد با دیدن آن طرح ها (پارچه ها) همان احساسی را خواهند داشت که طراح هنگام طراحی آنها داشته است. زیبایی فرم ، ایده و بیان که بالاترین هدف هنر است به وضوح در لباس دیده می شود. اهمیت پارچه های ایجاد شده به نوعی تکیه بر این عوامل است. از شکلی که پارچه ها دارند گرفته تا بیان و پیامی که به بینندگان می دهند. بسیاری از طراحان مد و معماری از یک قطعه هنری

به عنوان مفهوم خود استفاده کرده و متناسب با آن طراحی کرده اند. این تلاش Art Crossing نامیده می شود که طراح از هنری به عنوان ایده اصلی خود استفاده می کند و بر این اساس یک لباس یا یک ساختمان را طراحی می کند.

هنر شعربافی کاشان

شعربافی یا شربافی یکی از صنایع دستی ایران است. به موی انسان یا حیوان «شعر» گفته می شود، و در اصطلاح بافندگی، شعر نوعی پارچه است که با مو یا ابریشم و با «دستگاه بافندگی چهاروردی» بافته می شود. بافتن شعر پشمی در یزد و اصفهان و شعر ابریشمی در کاشان رواج داشت که اکنون در معرض فراموشی و نابودی است.

اصول معماری ایرانی

از نگاه استاد پیرنیا (برگرفته از کتاب تاریخ معماری ایران)، هنر و معماری ایران دارای چند اصل است که به خوبی در نمونه های این هنر نمایان است. این اصول عبارت اند از:

- 1-مردم واری
- 2-پرهیز از بیهودگی
- 3-نیارش
- 4-خود بسندگی
- 5-درونگرایی

سبک شناسی معماری ایرانی

با توجه به نظریه های استاد پیرنیا (برگرفته از کتاب تاریخ معماری ایران)، معماری ایران به 6 سبک:

- 1-پارسی
- 2-پارتی
- 3-خراسانی
- 4-رازی
- 5-آذری
- 6-اصفهانی

تقسیم می شود که در هر دوره اصول معماری با شکل و ظاهری متفاوت بکار رفته است. که ما در این پژوهش به سبک معماری اصفهانی میپردازیم.

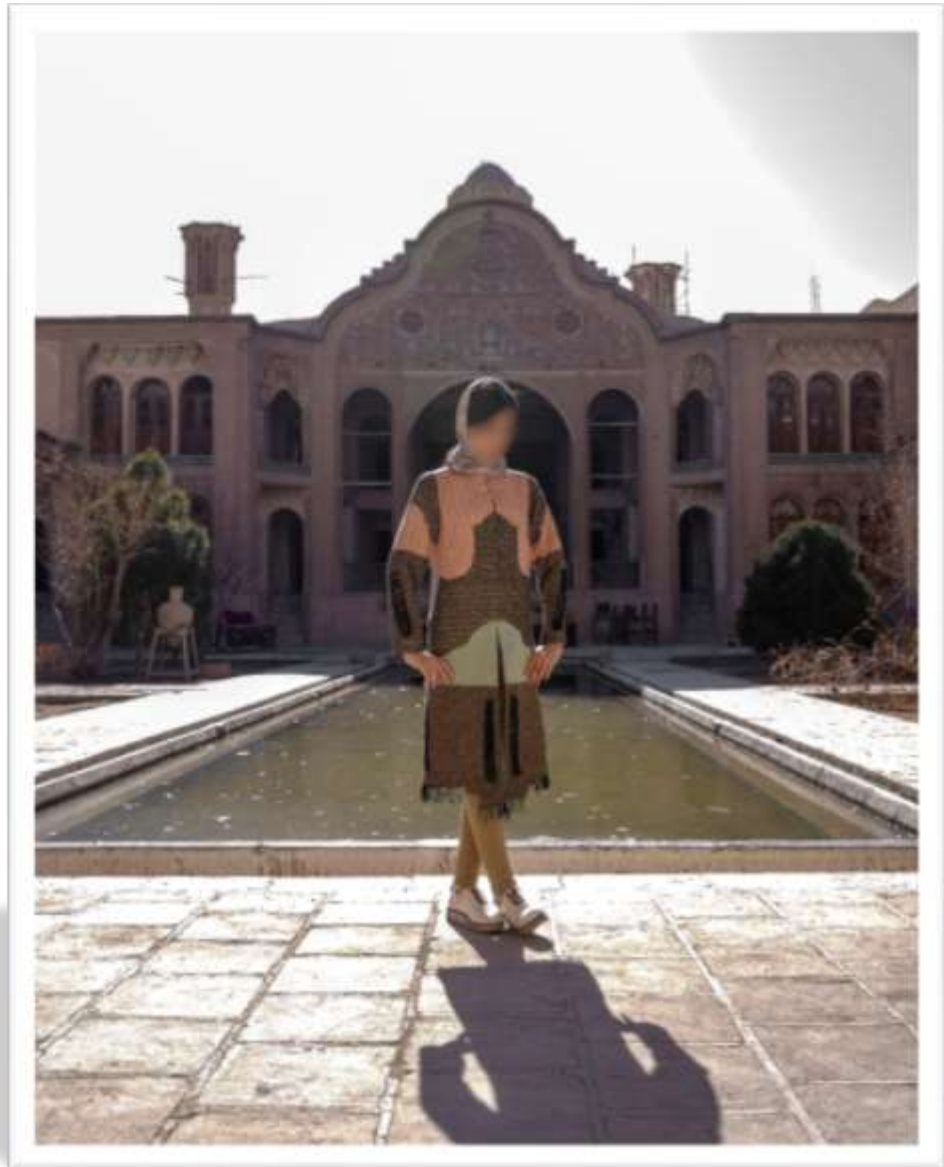
خصوصیات معماری اصفهانی

در معماری اصفهانی از تمامی نمادهای شیوه های قبلی نیز بهره گرفته شده است. در این سبک معماری در مقایسه با سبک های پیشین تنها از کاشی های هفت رنگ در عوض کاشی معرق استفاده شده است. از مهمترین خصوصیات سبک معماری اصفهانی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

سادگی پلان ها و طرح ها، طرح ها و پلان ها بسیار ساده می شوند و از شکل های چهارگوش همچون مستطیل و مربع و یا اشکال هندسی شکسته چند ضلعی در ساخت این ساختمان ها بهره گرفته می شود. فرورفتگی ها و برجستگی هایی که در بناهای مختلف همچون مدرسه غیاثیه خرچرد ساخته شده به سبک آذری می بینیم در معماری اصفهانی مشاهده نمی شود. از جمله محدودیت های موجود در سبک معماری اصفهانی می توان به مواردی همچون محدودیت زمان و کمبود متخصص اشاره کرد. در این سبک معماری از کاشی های خشت بزرگ هفت رنگ در عوض کاشی معرق درآمدها استفاده شده است. مسجد امام که با استفاده از این سبک ساخته شده است در سر در آن از کاشی تراش بهره گرفته شده است اما در بخش داخلی بنا به دلیل طولانی بودن کار از کاشی خشت استفاده شده است. برترین و عالی ترین نمونه ساختمان های احداث شده با استفاده از معماری اصفهانی در مجاورت میدان نقش جهان قرار گرفته اند. در میدان نقش جهان اصفهان بناهایی همچون مسجد امام خمینی، مسجد شیخ لطف الله، عمارت عالی قاپو، سر در و بازار قیصریه واقع شده اند. هر یک از این بناها دارای مجموعه هایی در اطراف خود می باشند که در دوران پادشاهان صفوی کاربرد مستمر داشته اند. کاخ عالی قاپو و تمامی ملحقات آن از جمله ساختمان توحید، خانه و کاخ چهل ستون آثار بسیار دیدنی هستند که با استفاده از سبک معماری اصفهانی ساخته شده اند.

ویژگی های سبک معماری اصفهانی

- 1- استفاده از قوس ، گنبد و طاق
- 2- استفاده از خطوط شکسته
- 3- کاشی کاری های رنگارنگ
- 4- پلان های مستطیلی و ساده
- 5- تزیینات گچبری و آرایه های آجری
- 6- نقاشی های دیواری
- 7- گنبد های دوپوسته
- 8- نورپردازی با رعایت سنت درون گرایی در بناهای ایرانی



تلفیق سبک معماری خانه بروجردی در طراحی مانتو

همانطور که در تصویر یک مشاهده میکنید در مانتو چهارقوسی با الهام از معماری خانه بروجردی های کاشان نمای سرپوشیده با برشی از پارچه ای با رنگ متفاوت در قسمت جلوی کار نمایش داده شده است و همینطور برای نشان دادن نمای پنجره ها از حاشیه پارچه های شعربافی کاشان استفاده شده است. اشکال هندسی به کار رفته در مانتو چهار قوسی با توجه به معماری این خانه بوده که در تصویر کاملا نمایان میباشد برای مثال حالت پایین این مانتو از نمای پلکانی استفاده شده که نشان دهنده پله های این خانه میباشد.

در پشت این مانتو شعری از ژاله اصفهانی که در نمای این شعر از کاشی های هفت رنگ که در سبک معماری اصفهانی خانه بروجردی های استفاده شده به کار رفته است. (تصویر شماره دو)



تصویر شماره دو، پشت مانتو چهار قوسی با بهره گیری از شعر و هنر کاشی هفت رنگ، منبع : نگارنده

همانطور که در تصویر سه مشاهده میکنید نمای نور گیر های خانه ی بروجردی ها با استفاده از آینه در مانتو چهار قوسی به نمایش گذاشته شده است و همینطور نمای برجسته را با استفاده از دور گیر در این مانتو نمایان کرده ایم.



تصویر شماره سه، مانتوی چهارقوسی با تاثیر از نورگیرها، منبع : نگارنده

نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد بسیاری از معماران برای طراحی ساختمان از یک لباس الهام می گیرند و برعکس همین امر امکان پذیر است و هدف ما از این پژوهش بررسی چگونگی الهام گیری و تاثیر پذیری صنعت مد و لباس ایرانی از بناهای تاریخی و معماری ایرانی بود. در این پژوهش ما با طراحی مانتو چهارقوسی با توجه به معماری خانه بروجردی های کاشان نشان دادیم که می توانیم با بهره گیری از سبک های معماری ایرانی به این دیدگاه برسیم که معماری سنتی ایرانی می تواند منبع الهام قوی برای کار های مد و طراحی باشد. همچنین با بهره گیری از این شاخص هنری، میتوان جایگاه پوشش ایران را ارتقا داد. سبک معماری اصفهانی به دلیل داشتن تنوع زیاد و نزدیک تر بودن به دوره حاضر، می تواند منابع متعددی را برای الهام گیری ما فراهم کند. علاوه بر این، با رواج این نوع پوشش، علاوه بر ماندگاری و ترویج آثار تاریخی در بین مردم، باعث هویت دادن به پوشش ملی خود می شویم. اهمیت این پژوهش بر آن است که استفاده از سبک های معماری ایرانی در صنعت مد، علاوه بر زنده کردن و احیا آن سبک ها در فرمی دیگر، باعث هویت بخشیدن به صنعت مد و لباس می شود.

منابع

اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، حس وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.

اکرمی، میرعلی (۱۳۷۷)، اصالت ساختار در معماری، مجله معماری و شهر سازی شماره ۴۲.

انتونیداس، آنتونی. سی (۱۳۸۱)، بوطیقای معماری، ترجمه احمد رضا آی، تهران، انتشارات سروش.

پیرنیا، کریم (1380)، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران، انتشارات سروش دانش.

- پیرنیا، کریم، (1355)، مردم‌واری در معماری ایران، فرهنگ و زندگی، شماره ۲۴، ص ۶۵-۶۲.
- حجت مهدی و ندیمی، حمید (۱۳۶۶)، روزنه ای به باغ بهشت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی هنر.
- حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۵)، انسان طبیعت معماری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- طلامینایی، اصغر (۱۳۶۵)، هنر، علم و معماری، تهران، انتشارات فضا.
- کیانی، محمدیوسف (1381)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- لولر، رابرت (۱۳۶۸)، هندسه مقدس، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- محمدی، نعمیه و یزدانپرست (۱۳۸۳)، الگوبرداری از طبیعت، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری دانشگاه شهید بهشتی.
- محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸)، معماری زیست مینا، تهران، انتشارات طحان با همکاری انتشارات هله.
- مشایخ فریدنی، سعید (۱۳۸۵)، سانتیاگو کالاتروا، مجله صفا، شماره ۴۰.
- پاکباز، رویین، (۱۳۷۸)؛ دایرةالمعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر.
- سلحشور (کازرونی)، فریال، (۱۳۸۳)، نقاشی پشت شیشه در ایران، مجله فرهنگ مردم، شماره ۱۰، تابستان ۵۴.
- شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۹)، مضامین مذهبی در نقاشی های موزه پشت شیشه تهران، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۳، مرداد. ۴۸ - ۵۹.
- امامی فر، سید نظام الدین، (۱۳۹۱)، مروری بر کاربرد نور در هنر، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۳، فروردین، ۹۶.
- رجیبی، خوش نظر، (۱۳۸۸)، نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۷، فروردین، ۷۰-۷۷.
- دیباچ، موسی، (۱۳۸۴)، فضای نور و معماری نور، مجله باغ نظر، شماره ۳، بهار و تابستان، ۴۸ - ۵۰.
- عبدالحسینی، امیر، (۱۳۸۵)، گرافیک محیطی، تصویر جامعه «، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۲۴، فروردین ۶۸.
- شفیع پور، آسیه، (۱۳۸۵)، ارسی در معماری سنتی ایران، فصلنامه معماری و هنر، تابستان، ۱۳۴-۱۸۳.